



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.



۲۰۲۲/۰۱/۰۸

نویسنده: جواد مرادی

افغانستان اشغالی تحت سیاست های سیاسی و نظامی پاکستان در سطح کشوری و بین المللی

سیاست خارجی افغانستان را شاه محمود قریشی تعریف می‌کند، به نمایندگی از افغانستان در سازمان ملل متحد منیر اکرم سخن می‌زند، ارزش ها و سنت های افغانان را عمران‌خان به جهانیان گوش زد می‌کند و وزیران کابینه طالبان از منصور احمد خان حرف‌شنوی دارند. آیا پاکستان، افغانستان را بلعیده است؟

پاکستانی‌ها بعد از تسلط طالبان بدون ویزه و هیچ قید و شرطی از مناطق سرحدی می‌گذرند و به هر جایی در افغانستان که خواسته باشند می‌روند؛ اما اسلام‌آباد علاوه بر این‌که به شدت رفت و آمد افغان ها را کنترل می‌کند و داشتن ویزه و پاسپورت را یکی از شرایط اصلی سفر می‌داند، حتی به طالبان هم اجازه نمی‌دهد که بدون هماهنگی و ویزه و بازرسی بدنی به پاکستان سفر کنند.

واقعیت این است که با فرار اشرف غنی و خروج نیروهای ناتو و امریکا از افغانستان، پاکستان به آرزوی دیرینه‌اش رسیده است که در افغانستان یکه‌تازی کند. حالا حاکم اصلی و غیر رسمی افغانستان، جنرال های پاکستان اند. بعد از فرار غنی انبوهی از جنگجویانی که طالبان را در جنگ حمایت و همراهی می‌کردند، به افغانستان سرازیر شدند که در پی آن پای دولتمردان، احزاب اسلامی، سازمان آی‌اس‌آی، متشبث‌های خصوصی و دولتی، تاجر و حتی سیاحان و ماجراجویان پاکستانی باز شد. حالا حتی خبرنگاران رسانه های آن‌کشور بدون ویزه و پاسپورت به افغانستان سفر می‌کنند و در بهترین هتل های کابل اقامت دارند، وظیفه آن‌ها این است که وضعیت افغانستان را با جلوس طالبان ایده‌آل و برخاسته از اراده مردم جلوه بدهند. در مقابل صدها خبرنگار افغان از ترس بازداشت و سرکوب، بیکار و آواره شده‌اند.

از سوی دیگر طالبانی که به ادارات افغانستان چنگ و چمباتمه زده اند، بیشتر ملا اند و با تعلیمات دینی ابتدایی و نیمه‌ابتدایی، حتی از کمترین دانش اداری، مدیریتی و تخصصی برخوردار نیستند. جهان امروز جهان ارتباطات و دانش است. تعدادی از ادارات افغانستان در بیست سال گذشته مدرن و یا نیمه مدرن شده‌اند. این ادارات برای تداوم کار و فعالیت خویش نیاز به افراد با تجربه و متخصص دارند. طالبان که از جبهات جنگ به ادارات سرازیر شده اند، ناگهانی درمانندند که این سکان پیچیده و وابسته به عصر نوین را چگونه به دست بگیرند و چگونه به پیش ببرند. اما سوی گروه حقانی که مناسبات حسنه و دیرینه با سازمان استخباراتی و مقامات بلند پایه پاکستان دارد، بخشی از طالبان در طول جنگ شان با حکومت حامد کرزی، اشرف غنی، ناتو و امریکا، روابطه ایده‌آلی با پاکستان نداشته‌اند. رابطه پاکستان با این بخش از طالبان رابطه و بازی موش و گربه بود. گاهی آن‌ها را نوازش می‌کرد و گاهی هم با کارگیری فشار و تهدید و حتی زندانی کردن، آن‌ها را وادار به اطاعت و تمکین می‌کرد.

نمونه های بارز این رویکرد، زندانی بودن و شکنجه ملا برادر، معاون رئیس‌الوزای طالبان؛ ملا عبدالسلام ضعیف، سفیر پیشین طالبان در اسلام آباد؛ نورالحق مجاهد، پسر مولوی محمدیونس خالص رهبر پیشین حزب اسلامی خالص؛ ملا جهانگیروال و ملا نورالدین ترابی وزیر پیشین عدلیه طالبان است که سال‌ها را در زندان های پاکستان گذرانده اند. ملا برادر که سال‌های سختی را در پاکستان گذرانده است تا کنون حتی یک کلمه هم علیه این کشور بر زبان نرانده است. او در ملاقات با قریشی وزیر خارجه پاکستان به او لیخند زد و مجبور شد موصوف را در آغوش بفشارد و از کمک و توجه پاکستان به حکومت طالبان تشکری کند. این گروه در مدیریت کشور با توجه به این‌که جهان از رسمیت‌شناسی آن‌ها خودداری کرده است و با آن‌ها برخورد محتاطانه‌ای دارد، یگانه راه و چاره تحکیم پایه های خویش، واگذاری کشور را به پاکستانی‌ها می‌داند. از سوی دیگر پاکستان هم که از عجز و ناتوانی طالبان و حتی مناسبات داخلی آن‌ها آگاه است، در حال بهره‌برداری از وضعیت و به‌دست‌گرفتن سکان اداره، مدیریت و نفوذ در لایه هایی از افغانستان است که در گذشته حتی خوابش را هم نمی‌دید.

منصور احمدخان سفیر پاکستان در کابل، حتی مقام بالاتری از رئیس‌الوزرای طالبان پنداشته می‌شود. او روزانه وزرا و مقامات بلندپایه طالبان را به دفتر کارش فرامی‌خواند و با آن‌ها در باره مدیریت بحران‌های کشور، مناسبات بین‌المللی و حتی مقرری ها و جابه‌جایی‌ها، شیوه انجام کار و دساتیری صادر می‌کند. چندی قبل رسانه ها و کارشناسان با انتقاد از این موضوع، گفتند که او پا از حیطة کاری‌اش فراتر گذاشته و عملاً افغانستان را رهبری

می‌کند. مناسبات دیپلماتیک و اصول روابط بین‌المللی ایجاب می‌کند که سفیر یک کشور از طریق وزارت امور خارجه کشوری که در آن مقیم است درخواست ملاقات کند و در دفتر کار وزیر و یا دیگر مقامات کشوری، با حضور نماینده وزارت خارجه دیدار و گفت‌وگو کند، چیزی که پس از حاکمیت طالبان دیگر خبری از آن نیست. سفر مولوی عبدالباقی حقانی وزیر تحصیلات عالی طالبان به پاکستان که بیشتر از ده روز داوم کرد، سفری برای سپردن نظام تحصیلی افغانستان به پاکستان دانسته شد. او از مدرسه ها و دانشگاه ها و مقامات پاکستان درخواست کمک کرد و آن‌ها را برای اصلاح این نهاد دعوت کرد.

نگرانی دیگری که از سوی مردم افغانستان پیوسته مطرح شده است، آموزش نیروهای طالبان توسط ارتش پاکستان است. این کشور در زابل، پکتیا، تخار و غزنی چند دوره طالبان را آموزش داده است و حالا نیز در بخش‌هایی از افغانستان، در حال انجام این کار است. مردم به نیت خیر پاکستان شک دارند و فکر می‌کنند که وابستگی نظام عسکری افغانستان به پاکستان به معنی قیومیت این کشور بر افغانستان است.

روابط پاکستان همیشه با حاکمان افغانستان پر چلنج و پر از کینه و خصومت بوده است، از داود خان گرفته تا اشرف غنی همیشه بر پاکستان تاخته اند و تا «اتک» ادعای مالکیت ارضی کرده اند. اما امروز دیگر نه از ادعای ارضی و ننگین خواندن معاهده دیورند خبری است و نه از زبان تیز و بران دو کشور علیه یک دیگر. حالا با توجه به واقعیت‌ها و ماهیت رخدادهایی که در بالا اشاره شد، فکر می‌شود که پاکستان افغانستان را بلعیده است؛ اما آیا پاکستان می‌تواند طعمه‌ای به این بزرگی و با این عظمت تاریخی و فرهنگی را هضم کند، سوالی است که زمان پاسخ خواهد.